گوشه‌های دیگری از فرصت طلبی‌ها و سازشکاریهای تاریخی حزب توده

وامروز درباره‌ی "مجاهدین خلق"

"اشتباهات مجاهدین خلق آنان را به آلت دست بورژوازی لیبرال و ضدانقلاب بدل کرده است."

(مردم – ۲/دیماه/۱۳۵۹)

* * *

و این هم نظر یکی از افسران شهید منسوب به حزب توده که این همه خون آنان را لگدمال فرصت‌طلبی‌های خودمی‌نماید:

"... رفقای کمیته‌ی مرکزی و کمیته‌ی اجرائی در گرداب اغراض خصوصی غوطه‌ورند. آنها منافع نهضت را اغلب زیر پا می‌گذارند و آن را تحت‌الشعاع منافع خصوصی می‌نمایند. این چیزی نیست که امروز در زندان بگویم. بارها از آنها انتقاد هم شده ولی گوش نکردند..."

(از نامه‌ی سرگرد شهید جعفر وسیلی به همسرش ۱۴/۸/۱۳۳۳)

تاکید بر وفاداری به سلطنت مشروطه

"حزب توده‌ی ایران را کدام مرجع قضائی کشور غیر قانونی اعلام کرده‌است؟ در کدام دادگاه ثابت شده است که مرام یا رویه‌ی حزب توده‌ی ایران با مقررات قانون ۱۳۱۰ انطباق دارد، یعنی بنا به‌اصطلاح قانون ۱۳۱۰ مسرام و رویه‌ی اشتراکی است یا ضدیت با سلطنت مشروطه‌ی ایران است؟"

(مردم شماره‌ی ۶۱ – تیرماه ۱۳۴۹)

وفاداری به شاه و مشروطه

س: شما عضو حزب کمونیست هستید؟

ج: من عضو حزب توده هستم.

س: عضو حزب کمونیست هم هستید؟

ج: در ایران حزب کمونیستی وجود ندارد که من عضو آن باشم.

س: شما با مشروطیت شاه موافقید؟

ج: ما خواهان مشروطیت واقعی هستیم و موافقت ما هم با شاه در حدود مشروطیت است."

(مصاحبه‌ی کامبخش – ۲۹/آذر/۲۴)

سپاس از قوام‌السلطنه به‌عنوان پیشگام مبارزه برای دموکراسی

" بدبختی کشور ما در این بود که میان ملت و دولت فاصله‌ی عظیم وجود داشت. آمدن آقای قوام‌السلطنه به حزب توده‌ی ایران در عین حال گامی است که در راه وحدت دولت و ملت برداشته می‌شود.

نضج دمکراسی در کشور ما جگر امپریالیسم را کباب می‌کند. آقای نخست‌وزیر امروز در محل مقدم چنین صف مبارزی قرار دارند."

(روزنامه‌ی رهبر – شهریور ماه ۱۳۲۵)

تایید اقدامات ترقی‌خواهانه! شاه برای بدست آوردن حق فعالیت علنی

"حزب توده‌ی ایران در عین این‌که از اقدامات ترقی‌خواهانه‌که به منظور از بین بردن مناسبات فئودالی تولید و نیز اقداماتی که در جهت صنعتی کردن و مدرنیزه کردن کشور می‌شود (منظور اصلاحات واقدامات شاهانه است!) پشتیبانی می‌کند... و برای بدست آوردن حق حزب ما و سایر سازمان‌های دموکراتیک در بدست آوردن فعالیت‌های قانونی در کادر قانون اساسی ایران مبارزه می‌کند"

(مردم شماره ۶۹ سال ۱۳۴۹)

قلمداد کردن شعار "ملی کردن صنعت نفت" به‌عنوان یک شعار امپریالیستی

"کاملا روشن است وقتی که انگلیسی‌ها رزم‌آرا این عامل صدیق خود را به عنوان سنگ بزرگ در ترازو گذاشتند، آمریکائی‌ها با سوءاستفاده از افکار و احساسات ملت ایران بزرگترین سنگ خود یعنی "ملی کردن صنعت نفت" را به دست اقلیت در کفه‌ی دیگر ترازو جای دادند".

(مردم – ۵/تیرماه/۱۳۳۰)

وقیحانه‌ترین فحاشی‌ها به دکتر مصدق

" مصدق طی نه ماه زمامداری، اوباش واراذل را بر جان و مال مردم مسلط ساخت. بازار ارتشاء، دزدی، قانون شکنی و ضرب و شتم مردم را گرم کرد، قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه‌ی ایران را بیش از دولت‌های سابق پایمال نمود... ملت ایران به رهبری طبقه‌ی کارگر، پیشوایان دروغی را از تخت حکومت به زیر خواهد کشید و دارو دسته‌ی دزدان و چاقوکشان را تارو مار خواهد کرد."

(بسوی آینده – شماره‌ی ۴۷۶ – ۷/ بهمن/۱۳۳۰)

منتهای وطن‌پرستی حزب توده

"... عقیده‌ی دسته‌ای که من شخصا در آن دسته قرار دارم این است که دولت به فوریت برای امتیاز نفت شمال به شوروی و نفت جنوب به کمپانی‌های آمریکائی و انگلیسی وارد مذاکره بشود... به همان ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافعی قائلیم و برعلیه آن صحبتی نمی‌کنیم، باید معترف باشیم که دولت شوروی هم از لحاظ امنیت خود در ایران منافع جدی دارد."

(احسان طبری – روزنامه‌ی مردم ۱۹/آبان/۱۳۲۳)

سرنگونی رژیم شاهنشاهی لزومی ندارد!

" آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ به نظر ما نه. حتی از بین رفتن حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختناق موجود می‌تواند هنوز به معنی از بین رفتن سلطنت واستقرار جمهوری که خود از خواستهای مردم و حزب ماست، نباشد."

(به سوی حزب شماره ۱۰ سال ۱۳۵۷)

مجیزگوئی و تبلیغ اصلاحات و اقدامات شاهانه

" مهمتر از همه دینامیسم قابل توجهی است که در اقتصاد کشور مشاهده می‌شود، تولید گروه کشاورزی به تدریج مقام اول خود را به تولید گروه صنعتی انتقال می‌دهد، برنامه‌ی ۵ ساله‌ی چهارم گام مهمی در جهت صنعتی کردن کشور است ... اشتباه خواهد بود اگر به جهات مثبت تحولی که از این جهت در کشور روی می‌دهد، توجه لازم نشود یا به آن کم بها داده شود."

(مجله‌ی دنیا – شماره‌ی ۳ – سال ۱۳۴۷)

مجیزتدابیر شاه خائن

" اصلاحات ارضی و عادی کردن و بهبود نسبی روابط با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، مهمترین تدابیری است که رژیم شاه اتخاذ نموده است."

(از مسائل بین‌المللی شماره‌ی ۶ (۳۰)

ستایش از رژیم شاه تحت عنوان هم‌آوائی زمامداران آن با میهن‌پرستان

" سیر حوادث، زمامداران ایران را اکنون دیگر دست کم در مورد استعمار انگلیس در تنگنای خلیج فارس به تصدیق حقانیت شعار ضد استعماری و ضدامپریالیستی میهن‌پرستان ایران و به هم آوائی با آنسان واداشته‌است."

(روزنامه‌ی مردم – تیرماه ۱۳۵۰)

درجستجوی همکاری با برخی از اعضای هیئت حاکمه‌ی رژیم شاه جلاد

" ... در درون طبقات هیات حاکمه‌ی ایران گروهها و عناصری وجود دارند که نظر به اوضاع واحوال و تحول شرایط می‌توانند از این یا آن موضع ترقی‌خواهانه، از این یا آن شعار ضدامپریالیستی، از این یا آن خواست دمکراتیک پشتیبانی نمایند و یا به نظر ما در درون طبقات حاکمه‌ی کنونی، هم اکنون نیروهای قابل توجهی را می‌توان دید که هریک با انگیزه‌ی معینی با ادامه‌ی رژیم کنونی مخالفت می‌ورزند و حاضرند در صورت پیداشدن دورنمائی امیدبخش در این راه همکاری کنند."

(مجله‌ی دنیا – شماره‌ی ۷ – سال ۱۳۵۴)

شعارهای مبرم حزب توده در مبارزه با رژیم ضدخلقی شاه

" شعارهای مبرم حزب ما در شرائط کنونی عبارتنداز:

مبارزه در راه علنی شدن کلیه‌ی احزاب ملی و دمکراتیک، مبارزه برای عفو عمومی زندانیان و تبعیدیان سیاسی، تامین بازگشت کلیه‌ی پناهندگان سیاسی از خارج به ایران، مبارزه برای دفاع و بسط بخش دولتی مبارزه در راه تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و تامین حقوق فرهنگی خلقها در ایران".

(روزنامه‌ی مردم – شماره‌ی ۱۸ شهریور ماه ۱۳۲۵)

همنوائی صریح با رژیم شاه برعلیه انقلابیون مسلح

" گروههای ماوراء چپ زیر عنوان مبارزه‌ی مسلحانه جهان نظریات ضدمارکسیستی وضدلنینی را عرضه می‌کنند که برای انقلاب هلاکت‌بار است. این به اصطلاح مبارزه‌ی مسلحانه در واقع چیزی جز تروریسم و آنارشیسم نیست".

(رادیو "پیک ایران" – ۱۳۵۱)

وبالاخره پرروئی وقاحت‌بار پس از پیروزی انقلاب

"... در باره‌ی مبارزه‌ی مسلحانه در داخل حزب بحث‌های زیادی داشتیم و نظریات مختلفی هم وجود داشت. این که در دی‌ماه/۵۷، دعوت قطعی به مبارزه‌ی مسلحانه کردیم، انتهای یک جریان طبقاتی است، که از مدت‌ها پیش – منتها به اشکالی که فکر می‌کردیم عملی است – به مبارزه‌ی مسلحانه دعوت می‌کردیم، اولین اعلامیه‌ای که برای مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم منتشر کردیم، پیامی است به سربازان ایرانی در ظفار. در آن ما به ارتش پیام فرستادیم که متلاشی‌نیروهایتان را تفنگهایتان را، مسلسلهایتان را برگردانید به طرف شاه و رژیم شاه!!!

(نکاتی از تاریخ حزب توده‌ی ایران – نوشته‌ی کیانوری ص ۵۴)

* * *

خبر تقاضای سلاح از آمریکا روی تلکس کیهان

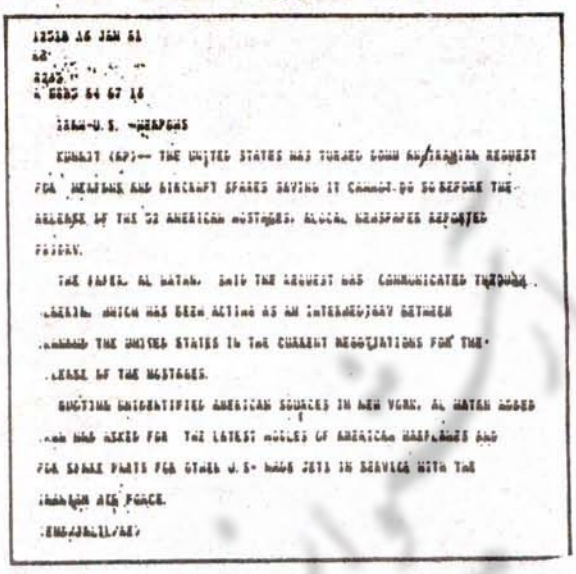

ASSIA 16 JAN 81
AP
BAAS
A 0680 04 07 16
BAAN-U.S. -HOSTAGES
KUWAIT (AP)— THE UNITED STATES HAS TURNED DOWN AN IRANIAN REQUEST FOR WEAPONS AND AIRCRAFT SPARES SAYING IT CANNOT DO SO BEFORE THE RELEASE OF THE 52 AMERICAN HOSTAGES, ALUAL BAGHDADI REPORTED FRIDAY.
THE PARIS AL BAYAN, WHO THE REQUEST WAS COMMUNICATED THROUGH ALGERIA, WHICH HAS BEEN ACTING AS AN INTERMEDIARY BETWEEN IRAN AND THE UNITED STATES IN THE CURRENT NEGOTIATIONS FOR THE RELEASE OF THE HOSTAGES.
QUOTING UNIDENTIFIED AMERICAN SOURCES IN NEW YORK, AL BAYAN ADDED IRAN HAD ASKED FOR THE LATEST MODELS OF AMERICAN WARPLANES AND FOR SPARE PARTS FOR OTHER U.S.-MADE JETS IN SERVICE WITH THE IRANIAN AIR FORCE.
END/ABELL/AE/

آنچه را که در بالا مشاهده می‌کنید، عین مطلبی است که بر روی تلکس روزنامه‌ی کیهان آمده، ولی حضرات خیلی ضدامپریالیست!! گردانندهٔ روزنامه، آنرا سانسور فرموده‌اند.

خوبست ابتدائا" ترجمه‌ی تلکس فوق را بیاوریم:

ترجمه تلکس:

۱۶ ژانویه ۸۱

"ایران ـ امریکا. (اسلحه) کویت (آسوشیتدپرس).

به گزارش مطبوعات، ایالات متحده‌ی آمریکا درخواست ایران مبنی بر تحویل اسلحه و قطعات یدکی هواپیما را رد کرده و گفته است پیش از آزادی ۵۲ گروگان امریکائی، این کار را نمی‌تواند بکند.

به گزارش روزنامه‌ی "الوطن"، این درخواست ایران از طریق الجزایر که نقش میانجی ایران و آمریکا جهت آزادی گروگانها را داشته، مطرح شده است.

"الوطن" می‌افزاید، به گفته‌ی منابع امریکائی در نیویورک، ایران در این درخواست مدرنترین جنگنده‌ها و نیز قطعات یدکی برای دیگر جت‌های آمریکائی نیروی هوائی ایران را مطرح کرده است."

اگر خاطرتان باشد، چندی پیش آقای نخست‌وزیر طی سخنانی اظهار داشت که ما اسلحه‌هائی را که از امریکا خریده‌ایم از "حلقوم آمریکا" بیرون می‌کشیم.

جناب وزیر مشاور نیز در حاشیه‌ی مصاحبه‌ی مطبوعاتی‌اش، مجبور به اعتراف در این زمینه شد.

البته شنیدن چنین مطالبی از چنان افرادی چندان هم تعجب‌آور نبوده و نیست، زیرا کسانی که عملکردهای به‌غایت ضعیف و سازشکارانه‌ی خود در آزادی گروگانها را یک "پیروزی" بنامند، حق هم دارند که بگویند "اسلحه را به زور از حلقوم امریکا بیرون می‌کشیم". اما گویا در این میان برادران مطبوعاتی‌شان از آنها کمی عاقلانه‌تر عمل کرده و با سانسور خبر فوق، خود را راحت کرده و مانع انعکاس آن در روزنامه و جامعه شده‌اند.

آخر دیگر در این میهن خونبار کمتر کسی است که نداند یکی از بارزترین اشکال "وابستگی"، عقد قراردادهای تسلیحاتی و نظامی با امپریالیستهاست. آنهم "شیطان بزرگ"ی که هنوز هم آثار گلوله‌هایش بر تن هزاران هزار شهید و مجروح انقلاب باقیست

در این رابطه سئوالاتی وجود دارد که مسئولین روزنامه‌ی کیهان باید به مردم در باره‌ی آنها توضیح بدهند:

ـ بعراستی چند خبر دیگر از اینگونه توسط سانسورچیان کیهان قیچی شده است؟

ـ چرا کیهان این مطلب را ـ حتی اگر بزعم آنها دروغ هم باشد ـ سانسور کرده است؟

ـ آیا درست‌تر نبود که خبر را چاپ کرده و در کنار آن تکذیب مقامات مسئول وفی‌المثل نخست‌وزیر و یا وزیرمشاور را هم نقل می‌کردند؟ تا از این طریق یا حقایق پشت پرده برای مردم روشن شود و یا "سیه‌روی شود هرکه در او غش باشد."

ـ آیا این سانسور و صدها نمونه مشابه آن، کوشش بسرای ضد ـ امپریالیست نشان دادن آقایان نیست؟

ـ وچرا مقامات مملکتی هیچ توضیحی در باره‌ی این خبر که به سراسر دنیا (البته به جز ایران) مخابره شده، نمی‌دهند؟

ـ آیا مطالب مندرج در تلکس فوق، نتیجه‌ی مذاکرات پشت پرده‌ای است که مفاد آن روشن نشده و یا همان سیاست "ازحلقوم بیرون کشیدن" است؟

در خاتمه نیز بدنیست به طنز تلخی که در تاریخ تلکس وجود دارد اشاره کنیم. ۱۶ ژانویه برابر است با ۲۶ دی‌ماه یعنی سالروز فرار شاه به دست توانای خلق.

ما در گذشته نسبت به سازش با امپریالیستها و به تمام کسانی که بخواهند مجددا" پای جهانخواران را به این میهن باز کنند، هشدار داده‌ایم، و اکنون بازهم از زبان برادر مجاهدمان "مسعودرجوی" نقل می‌کنیم که:

" تا وقتی یک انقلابی و یک مجاهد خلق در میهن ما وجود دارد، امریکا نیاید و نخواهد توانست که به این کشور بازگردد."

اعتراض به دستگیری و ادامه بازداشت حجت‌الاسلام آشوری

به نام خدا

هموطنان آزاده و انقلابی!

حجةالاسلام حبیب الله آشوری، اندیشمند و محقق انقلابی، بیش از سه ماه است که به خاطر خط قاطع ضدامپریالیستی ومبارزه‌ی پیگیرش بر علیه استثمار، استبداد و استعمار و دفاع از اسلام انقلابی در زندان به سرمی‌برد.

اسارت چنین چهره‌ی مبارز، آزاده و سازش ناپذیری که در دوران رژیم خونخوار و وابسته‌ی پهلوی، به دلیل پیگیری در عقیده و روشنگریهای بسیار اثر بخش خود در میان مردم و به‌ویژه جوانان، بارها رنج زندان وتبعید را به جان خرید، نمونه‌ی بارز دیگری از آزادی‌کشی و زورگوئی دست‌اندرکاران است، که حتی شامل حال چهره‌های مبارزی که در لباس روحانیت، هیچگاه از اصول انقلابی پای پس نکشیده‌اند، می‌شود.

ما امضاء کنندگان زیر، دستگیری و بازداشت وی را قاطعانه محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی هر چه سریع‌تر او هستیم.

طاهراحمدزاده ـ مهندس نصرالله اسماعیل‌زاده ـ دکتر حسن توانائیان فرد ـ دکتر علی‌اصغر حاج سیدجوادی ـ معصومه‌ی حکیمی ـ پرویز خرسند ـ حاج خلیل‌الله رضایی ـ زهرا رضائی ـ فاطمه رضائی ـ حاج محمد شانه‌چی دکتر پوران شریعت رضوی ـ مجید شریف ـ مریم طالقانی ـ عباس فرهبخش سیف‌الله کبیریان ـ جلال گنجه‌ای ـ کاظم متحدین ـ عبدالعلی معصومی ـ دکتر محمد ملکی ـ عبدالله مولائی ابوذر ورداسبی.

وقیحانه‌ترین نوع جعل و تحریف در روزنامه خود فروختهٔ کیهان و سایر روزنامه‌های ارتجاعی

روزنامه‌ی خود فروخته‌ی کیهان که به دنبال آخرین نصفیه‌ها در آن به صورت یک ارگان آلت دست و بازیچه‌ی مطلق حزب حاکم درآمده، برآن شده‌است تا در شایعه‌سازی و لجن پراکنی، گوی سبقت را از دیگر عوامل و مزدوران ارتجاع برباید، لذا اخیرا دست به اقدامات مذبوحانه‌ای زده است، و برای تحقق بخشیدن به اهداف شوم ارتجاعی خود، ناگزیر از جعل و تحریفات بسیار مفتضحی گردیده است، که یک نمونه‌ی آن نسبت دادن قتل ابوالفضل مسعودی به مجاهدین بود که البته در اطلاعیه‌های اخیر سازمان مفصلا مورد بررسی قرار گرفته است. امانمونه‌ی دیگر در رابطه با مصاحبه‌ی اخیر دکتر قاسملو با رادیوی بی‌بی‌سی است که در برنامه‌ی سه‌شنبه شب (۱۱/۲۸) این رادیو پخش گردید. روزنامه‌ی کیهان در انعکاس این مصاحبه دست به‌تحریف بسیار وقیحانه‌ای زده است که کلیشه‌ی آن را در زیر مشاهده می‌کنید.

البته‌لازم به تذکر است که به‌دنبال این تحریف و جعل آشکار توسط کیهان، دیگر روزنامه‌های ارتجاعی صبح و عصر نیز بنا به ماهیت واحد و وابستگی مشترکشان به حزب ارتجاعی حاکم تحریفات روزنامه‌ی کیهان را به عنوان گزارش عینا چاپ کردند!!

اما نکته‌ی قابل توجه در رابطه بامصاحبه‌ی دکتر قاسلو، پخش ۳-۲نوبت صدای خود دکتر قاسلو در خلال تفسیری بود که مفسر رادیو بی‌بی‌سی در مورد این مصاحبه‌نوشته بود ولی با تمامی اینها، نشریات فوق‌الذکر، که حقیقتا تریبون مرتجعین و جنگ‌افروزان هستند، دست به چنین اقداماتی می‌زنند، تا هم‌چنان تنورجنگ کردستان‌راگرم نگاه‌دارند

ما برای افشای توطئه‌های جنگ‌افروزانه‌ی مرتجعین، متن کامل گفتار رادیو لندن را در رابطه با مصاحبه‌ی‌دکتر قاسلو با بی‌بی‌سی در اینجامی‌آوریم

اما به روزنامه‌ی خودفروخته‌ی کیهان و نویسندگانی که عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی ارتجاع شده‌اند نیز گوشزد می‌کنیم که بدانند با راهی که در پیش گرفته‌اند هرروز و در هر قدم همانند روزنامه‌های وابسته‌ی دوران شاه‌و هم‌چنین روزنامه‌های آزادگان و جمهوری نفرت و انزجاربیشتری راازجانب توده‌های مردم نصیب‌خودخواهندکرد.

ضمنا متذکر می‌شویم که دراین‌جا قصد بررسی و تشریح تک‌تک نقطه‌نظرهای آقای دکتر قاسلو و هم‌چنین‌توضیح دیدگاه‌های خودمان را در قبال مساله‌ی‌کردستان و مقامات مسئول و سیستم حاکم نداریم. بلکه فقط منظورمان افشای تحریف و جعلی می‌باشد که در جهت خدمت به دست‌های توطئه‌گر و جنگ‌افروز و ادامه و گسترش‌برادرکشی در کردستان دراین روزنامه‌ها بکار رفته‌است

عین گفتار رادیو

با توجه به ادامه‌ی جنگ بین‌چریک‌های کرد و نیروهای دولتی در ایران می‌توان گفت که یکی از شخصیت‌های‌مهم در میان کردها "دکتر عبدالرحمن قاسلو"رهبر حزب دمکرات کردستان است. قاسلو اخیرا در پاریس بود و در آنجا مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی در زمینه‌ی هدف‌های حزبش‌انجام داده است که توسط بخش داخلی بی‌بی‌سی پخش، شده است. وی با خبرنگار بخش فارسی بی‌بی‌سی نیز مصاحبه‌ای انجام داد که بر مبنای آن "جان رنر" گزارشی تهیه‌کرده که اینک می‌شنوید: مقامات ایران، چریک‌های کرد را به عنوان‌خائن به شدت‌محکوم کرده‌اند و رهبران ایران گفته‌اند که جنگ در منطقه‌ی کردستان سبب شده است که به کوشش‌های ایران در جنگ با عراق به شدت آسیب وارد آید اما عبدالرحمن قاسلو در مصاحبه‌ی خود با وی‌گفته که دولت ایران جنگ با عراق را بهانه‌ای برای سرکوب نهضت کردها کرده است. او اتهام خیانت را رد کرد. قاسلو گفت که در آغاز جنگ با عراق حزب دمکرات کردستان اعلام کرد و این اعلامیه از رادیو کردستان هم‌خوانده شد که چریک‌های کرد حاضرند که در کنار ارتش ایران با عراق بجنگند به شرط آن که بعضی ازدرخواست‌های آنان‌پذیرفته شود. ازجمله‌ی این شرایط پایان عملیات نظامی علیه کردها و به خصوص بیرون رفتن پاسداران انقلاب از کردستان بوده است که دکتر قاسلو آنان را عامل اصلی ناآرامی در کردستان خواند. قاسلو گفت که تنها پاسخ مقامات تهران به پیشنهاد کردها تجدید بمباران شهرها و دهات کردستان بود. اما عبدالرحمن قاسلو بر این موضوع تاکید کرد که کردها هرگز نمی‌خواهند که علیه دولت ایران جنگ بکنند و چنین گفت(دراینجا رادیو لندن صدای خود قاسلو را پخش کرد): "ما جنگ را حاضریم در عرض یک روز متوقف بکنیم در صورتی که دولت ایران هم اعلام بکند که جنگ را متوقف می‌کند و ما سی جنگ نداریم. ما نظرمان اینست که مساله‌ی کرد در چهارچوب کشور ایران از راه مسالمت‌آمیز باید حل بشود ولی وقتی مورد حمله قرار گرفتید و وقتی که دولت ایران نه تقاضاهای ما را قبول دارد و نه حاضر به مذاکره است هیچ راهی جز این که ما از خودمان دفاع بکنیم‌برای ما باقی نمانده است".

دکتر قاسلو تاکید کرد که وی خواهان جدایی کردستان از ایران نیست وی گفت شعار حزب دمکرات کردستان خودمختاری برای کردستان و آزادی برای ایران است. در پاسخ این سوال که کردها چه کمکی ازخارج دریافت می‌کنند دکتر قاسلو گفت که بجز کمک‌های دارویی و پزشکانی که بعضی از سازمان‌های‌نسان دوست و خیریه اروپائی فرستاده‌اند، کردها هیچ کمک دیگری دریافت نکرده‌اند. دکتر قاسلو گفت هیچ دولتی حاضر نیست که به کردها کمک کند و تنها سلاح‌هایی که کردها در اختیار دارند از پادگان‌های نظامی ایران گرفته شده است. دکتر قاسلو این‌موضوع را تکذیب کرد که رابطه‌ای با گروه‌های مخالف حکومت ایران در خارج دارد (در اینجا مجددا صدای قاسلو پخش شد): "گروه‌هائی در اروپا هستند که اولا گروه‌های سلطنت طلب باقی‌مانده‌های رژیم شاه هستند که ما با آنها هیچ‌گونه نه تماسی داریم و نه روزی به آنها اگر قدرت داشته باشیم اجازه خواهیم داد که مجددا ایران ما را به دوران رژیم‌شاهنشاهی برگردانند. و اما عده‌ی زیادی ایرانی در اروپا هستند که البته آن‌ها سازمان‌هائی ندارند که ما با آن‌ها در تماس باشیم. خیلی می‌پرسند که ما با آقای شاپور بختیار درتماس بوده‌ایم یا نه؟ بنده یک بار دیگر اعلام می‌کنم که هیچ‌گونه تماسی با ایشان نداریم".

دکتر قاسلو هنگامی که در پاریس بود به‌طرح‌هایی برای تشکیل جبهه‌ای برای ایران اشاره کرد. از او سوال شد که منظورش از این جبهه چیست؟ قاسلو جواب داد که حزب دمکرات امیدوار است که جبهه‌ای از تمام گروه‌های مترقی مخالف رژیم ایران تشکیل دهد تا برای حکومت آینده‌ی ایران شق دیگری آماده باشد. دکتر قاسلو به خصوص از مجاهدین خلق نام برد و گفت که آماده برای همکاری با حزب دمکرات کردستان هستند. دکتر قاسلو علاوه بر مجاهدین خلق (که آن‌ها را بزرگترین گروه سیاسی‌مخالف‌در ایران خواند) حزب دمکرات کردستان از پشتیبانی سایر گروه‌ها در کردستان و سایر نقاط ایران از جمله‌دربلوچستان و آذربایجان برخوردار است. دکتر قاسلو هم‌چنین گفت که پرزیدنت بنی‌صدر نسبت به خواست کردها بی‌علاقه نیست.

(دراینجا بازهم صدای قاسلو پخش شد): "وقتی که آقای بنی‌صدر انتخاب شد به عنوان‌رئیس جمهور البته ایشان به‌هیئت نمایندگی که ما فرستاده بودیم گفته بودند که با خواسته‌های ما که در شش ماده عنوان شده بود موافقت دارند، ولی متاسفانه همان خواست‌ها را شورای انقلاب آن موقع که هنوز مجلس نبود رد کرد و ما فکر می‌کنیم که شاید آقای بنی‌صدر این خواست‌ها را به شورای انقلاب تحمیل بکند امیدواریم که چنین قدرتی روزی پیدا بکند که خواست‌های ما مورد قبول‌قرار بگیرد" (پایان گزارش "جان رنر" از مصاحبه با دکتر قاسلو)

کیهان — چهار شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۹

در مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی

قاسلو: مجاهدین خلق آماده همکاری با حزب دموکرات کردستان هستند

...

رادیو لندن — عبدالرحمن قاسلو دبیر دیداری که چندی است از کشورهای‌اروپائی جمله فرانسه دارد دیروز در مصاحبه‌ای با خبرنگار بی بی سی، به ارتباط حزب‌دموکرات با گروههای سیاسی و مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران، دریافت کمکهای مالی ازسازمان خارجی و سیاسی اشاره کرد و گفت: گروه هائی نداریم و هیچ ارتباطی با گروههای سلطنت‌طلب یا وابسته رژیم شاهنشاهی نداشته و نداریم. در ادامه مصاحبه قاسلو در پاسخ به این‌سئوال که چه طرحهائی برای تشکیل جبهه‌ای برای ایران در نظر دارید گفت: حزب دموکرات امیدوار است که جبهه‌ای از تمام گروههای مخالف رژیم ایران تشکیل‌دهد تا برای‌حکومت آینده ایران شق دیگری آماده باشد.

قاسلو سپس از مجاهدین خلق نام برد و گفت که آماده برای همکاری با حزب دموکرات کردستان هستند. قاسلو تاکید کرد که با خواسته‌های ما که در ۶ ماده عنوان شده بود موافقت دارند، ولی متاسفانه همان خواسته ها را شورای انقلاب رد کرد وما فکر می‌کنیم شاید بنی‌صدر قدرت این را نداشت که این خواستها را بشورای انقلاب بقبولاند امیدواریم که روزی چنین قدرتی را پیدا کند.

برای آنکه نگویند "آزادی اجتماعات" نیست!

راستی هیچ فکر کرده‌اید که چه سّری درکاربوده که طی این دوسال گذشته هر ازگاهی که ما یا دیگر گروهها یک میتینگ یامراسمی برگزارکرده‌ایم دقیقا، همان روزی بود که آمریکا خیال توطئه و قشون کشی داشته، یا عراق نقشه‌ی حمله و تهاجم کشیده بوده یا ضدانقلاب در مرزها و مناطق دست به تحریک و تحرک زده یا... اما نیروهای حاکم هر جمعه وهرشنبه و... راهپیمائی و تجمع و تظاهرات راه انداخته‌اند و به هیچکدام از این نحوستها بر نخورده وبا هیچیک از این اتفاقات شوم نیز قرین نشده‌اند و قضایا به خیر وخوشی تمام شده است؟!

ما راجع به این مطلب، زیاد فکر کردیم و بالاخره به این نتیجه‌رسیدیم که‌اینان به علوم و فنونی دسترسی دارند که به مدد آنها از عهده‌ی‌این غوامض برمی‌آیند!

البته نباید گمان کرد که مقصود‌ما‌ین علوم جدیده است که در دانشگاه‌ها می‌آموزند خیر! علوم جدیده مجازی‌اند

ولاجرم حقیر و جیفه‌ی دنیا، بلکه مقصود، علوم غریبه‌ای هستند که از زمره‌ی نفایس‌اند و سینه به سینه نقل شده‌اندو "نااهلان" را بدان دسترسی نیست! نظیر علم ساعت، علم جَفر، علم سعد ونحس ایام و لیالی و علم حرکت نجوم و کواکب (با ستاره شناسی به معنی امروزی و دنیائی آن اشتباه نشود!) و نیز فنون خفیه‌ای مانند فن رمل و اسطرلاب و فنون دیگری که ما نمی‌دانیم...

آری، این آقایان قطعا" با استفاده از این علوم و فنون است که مشخص می‌کنند چه روزهایی برای راهپیمائی و تظاهرات "سعد" و چه روزهائی "نحس" است!

به هرحال اکنون که ما به‌این جهل خود واقف شده‌ایم برای آنکه بدخواهان نگویند و شایعه‌سازان شایع نکنند که گویا خدای نکرده "دراین مملکت آزادی اجتماعات وجودندارد" از آقایان استدعا داریم که در تقویم مخصوص خود نگاه کنند، حرکت افلاک را زیر نظر بگیرند و با رمل و اسطرلاب یا به کمک هرعلم دیگری که می‌دانند (ماکه به جهل خود اذعان داریم) از امروز تا دو ماه دیگر، یک روز را که درآن روز صدامیان کافر قصد حمله و ضدحمله نداشته باشند، آمریکای منکوب و شکست‌خورده نخواهد تجاوز و تلافی کند و مثلا" با چترنجات "گروگان"! در خاک ما پیاده کند! ضد انقلاب در مرزها و شهرها خیالاتی نداشته باشد وهمچنین روزی که انتخابات "سرنوشت سازی" در کار نباشد یا مقامات مشغول انجام مقدمات و موخرات! آن نباشند و... خلاصه روزی را که از جمیع جهات و جوانب مساعد باشد تعیین و مشخص کنند که درآن روز اجتماع و میتینگ بلامانع و جایز باشد و آن روز را به اطلاع مردم شهیدپرور ایران برسانند تا دهان یاوه‌گویان برای همیشه بسته شود! زیرا ترس! از این است که اگر روزی را برای میتینگ اعلام کنیم حتما" نحوستی پیدا سود میتینگ با ضرب وجرح و کشت وکشتار، همراه‌گردد!!

***

آقای بهشتی، متخصص بند و بست با شیطان بزرگ و شرکاء!!

پیرو انتشار سندی مربوط به تماس آقای بهشتی با کاردار سفارت آمریکا، درمجاهد شماره‌ی ۱۰۲، ایشان به‌تشبثات مختلفی متوسل شدند:

مدت‌هامساله را به روی مبارک نیاورده و در قبال آن سکوت کردند. پس از مدتی که فشارها بالا گرفت در جهت لاپوشانی قضیه و به جای پاسخگوئی به آن، صحبت از تجزیه‌ی سازمان به دو خط پیکار و خط‌امام نمودند ولی از آنجا که دیگر حمایتان رنگی نداشت و بالاخره موقعی که فشارهای اجتماعی بیشتر شد و چاره‌ای جز جوابگوئی نبود در مصاحبه‌ی روز ۴ سنبه ۱۵ بهمن‌ماه خود به اصطلاح به این قضیه پاسخ گفتند. البته خبرنگار و شخص ایشان همانگونه که جن از بسم‌الله هراس دارد، از آوردن اسم "مجاهد" هم امتناع کردند و طی شرحی مختصر مجمله گفتند که: "راجع به نشریه‌ای که شما عنوان می‌کنید من نخوانده‌ام که ببینم در آن نشریه چه نوشته"!

مصاحبه‌ی دو هفته‌ی قبل ایشان و طرح مسئله‌ی انشعاب در سازمان مجاهدین بدون هیچ زمینه‌ای برای درک واهی بودن ادعای فوق کافی است. چرا که به خوبی پیداست که لحن پراکنی‌هائی از آن دست و هم‌چنین ضرب و شتم و کشاری که علیه مجاهدین خلق پس از انتشار سند فوق اوج گرفت جزی جز جواب ایشان به افشاگری مزبور نبود. لیکن برای بهتر روشن شدن مطلب و هم‌چنین مشخص شدن درجه‌ی نفاق و دوروئی ایشان لازم دیدیم سندی را که نشان‌دهنده‌ی وقوف کامل ایشان به افشاگری مجاهدین بوده‌است وایشان آن را انکار کرده‌اند درج کنیم:

در تاریخ ۲۱/دیماه یعنی بیش از ۳ هفته‌ی قبل از مصاحبه‌ی ایشان، تحلیلی در هفت صفحه در درون حزب جمهوری به عنوان جواب "مجاهد" پخش شده‌است.

کلیشه‌ی زیر اولین سطور این توجیه‌نامه را نشان می‌دهد:

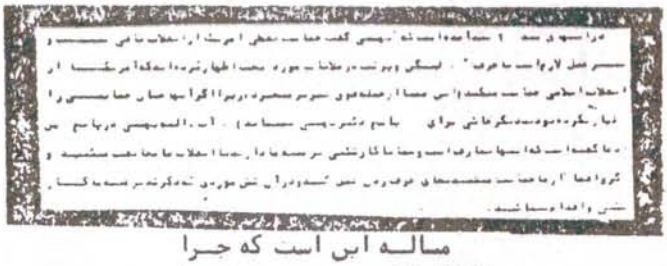

مساله این است که چرا با آنکه آقای بهشتی، هفته‌ها قبل جوابی برای اعضاء حزب تهیه و در درون حزب منتشر کرده‌اند، به مردم دروغ می‌گویند؟ ابتدائی‌ترین نتیجه‌گیری این است که مردم نسبت به کارهای محرمانه‌ی ایشان نامحرم! هستند.

ضمن این تحلیل که آقای بهشتی برای اعضاء حزب ارائه داده‌اند، نکات جالب دیگری نیز وجود دارد که طی آن حرفهائی زده شده که حزب جمهوری هیچ‌گاه بطور جدی و رودروی مردم آنها را مطرح نکرده است. به دو قسمتی که در اینجا آمده‌است توجه کنید:

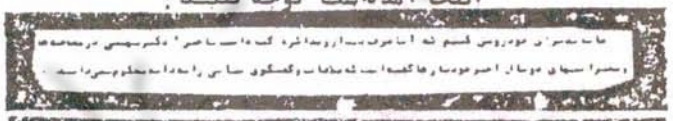

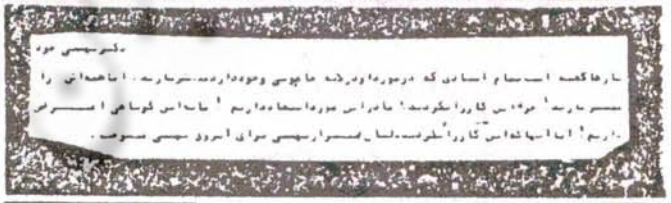

متن تایپ شده‌ی سند:

... ما باید برای خود روشن کنیم که آیا صرف دیدار و مذاکره گناه است یا خیر؟ دکتر بهشتی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های دوسال اخیر خود بارها گفته است که ملاقات و گفتگوی سیاسی را بذاته محکوم نمی‌داند... دکتر بهشتی خود بارها گفته است تمام اسنادی که در مورد او در لانه‌ی جاسوسی وجود دارد منتشر سازند. اما همه‌اش را منتشر سازند! چرا این کار را نکردند؟ ما در این مورد انتقاد داریم! ما به این کوتاهی اعتراض داریم! آیا آن‌ها که این کار را نکردند دلشان بیشتر از بهشتی برای آبروی بهشتی می‌سوخت

در حالیکه همه‌ی نیروهای انقلابی حواسشان اقای تمامی اسناد لانه‌ی جاسوسی بوده‌اند، حزب بطور جدی و بی‌گیر آن را نخواسته است. حالا نه تنها درابنجا مطرح می‌شود که ما خواستیم تمامی اسناد منتشر شود؛ بلکه گفته می‌شود به دانشجویان پیرو خط امام انتقاد نیز داریم! اولا مگر نه این است که این دانشجویان پیرو خط امام، خط حزب را رفته و می‌روند. کافی است به آنها بگوئید اسناد را منتشر کنند، آنها خواهند کرد.

از این گذشته مگر فراموش کرده‌اید که دانشجویان خط امام وقتی با اسناد شما در لانه‌ی جاسوسی برخورد کردند با وجودی که برخی از آنها اصرار می‌کردند که آنها را افشا کنند ولی سرانشان راه حل دیگری پیدا کردند و آن اینکه آمدند خدمت شما و از خودتان کسب تکلیف کنند و شما نیز با التماس و گریه و زاری دل آنها را به رحم آوردید که افشا نکنند؟! وآن‌ها نیز هرگز اسرار شما را فاش نکردند؟!

ثانیا: اگر راست می‌گوئید که به آنها (دانشجویان) به خاطر افشا نکردن همه‌ی اسناد انتقاد داشته‌اید، چرا هیچگاه به آنها دراین مورد انتقاد نکردید؟ آیا غیر از این است که نمی‌خواستید آنها تمامی اسناد را افشا کنند؟

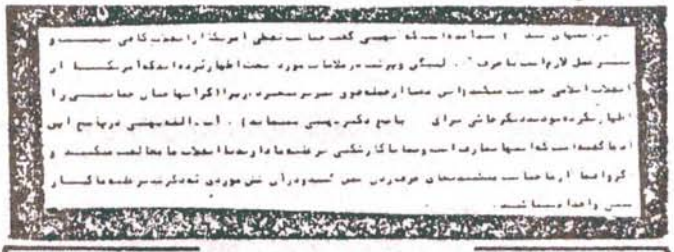

متن تایپ شده‌ی سند:

درانتهای بند ۲ سند آمده است که "بهشتی گفت حمایت لفظی امریکا از انقلاب کافی نیست و بیشتر عمل لازم است تا حرف". لینگن و پرشت در ملاقات مورد بحث اظهار کرده‌اند که آمریکا از انقلاب اسلامی حمایت می‌کند (این معنا از جمله‌ی فوق نیز برمی‌خیزد، زیرا اگر آن‌ها چنان حمایتی را اظهار نکرده‌بودند دیگر جائی برای پاسخ دکتر بهشتی نمی‌ماند). آیت‌الله بهشتی در پاسخ این ادعا گفته است که این‌ها تعارف است و شما با کارشکنی بر علیه ما دارید با انقلاب ما مخالفت می‌کنید و اگر واقعا از ما حمایت می‌کنید بجای حرف زدن عمل کنید و در آن شش موردی که ذکر شد بر علیه ما کارشکنی و اقدام ننمائید.

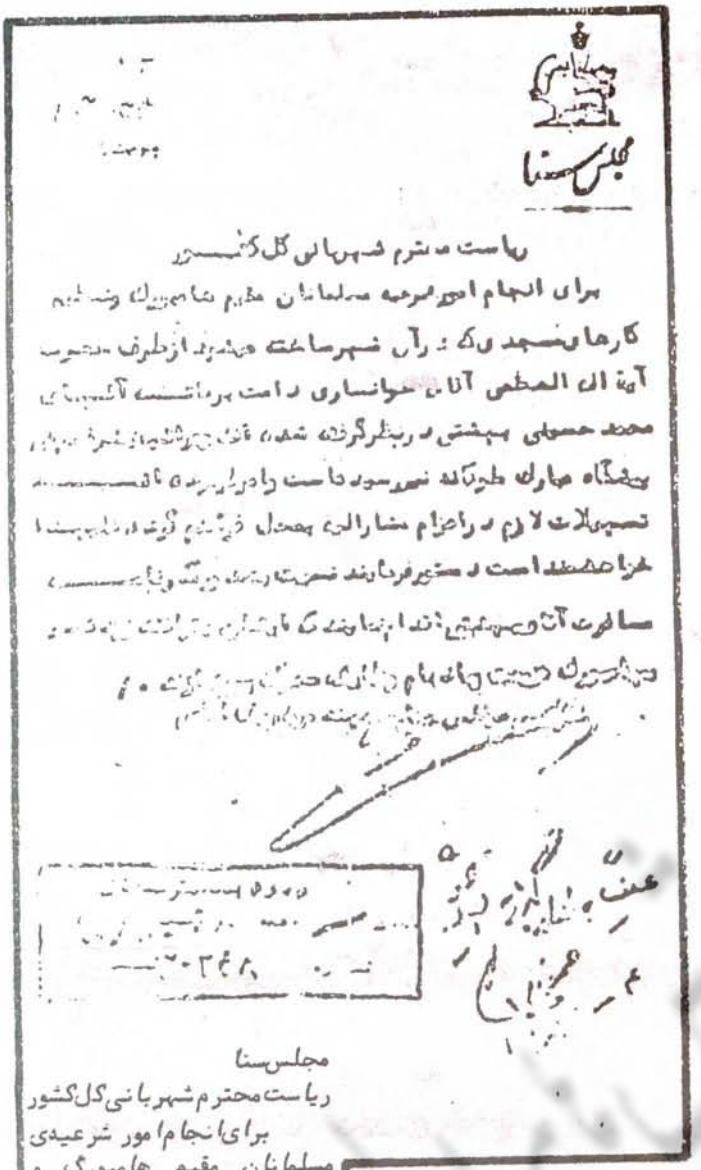

مجلس سنا

ریاست محترم شهربانی کل کشور

برای انجام امور شرعیه مسلمانان مقیم هامبورگ و تنظیم کارهای مسجدی که در آن شهر ساخته میشود، از طرف حضرت آیت‌الله العظمی آقای خوانساری دامت برکاته، آقای محمد حسینی بهشتی در نظر گرفته شده‌اند و مراتب به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه نیز رسیده است و امر فرموده‌اند تسهیلات لازم در اعزام مشارالیه به محل فراهم گردد. علیهذا خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به صدور گذرنامه‌ی مسافرت آقای بهشتی اقدام نمایند که ایشان بتوانند زودتر به هامبورگ عزیمت و به انجام وظایف محوله بپردازند.

رئیس مجلس سنا

مهندس شریف امامی

امضا

عینا به اداره‌ی گذرنامه

امضا

آقای بهشتی، متخصص بند و بست با شیطان بزرگ و شرکاء!!

بیرو انتشار سندی مربوط به تماس آقای بهشتی با کاردار سفارت آمریکا، در مجاهد شماره‌ی ۱۰۲، ایشان به تشبثات مختلفی متوسل شدند:

مدت‌ها مساله را به روی مبارک نیاورده و در قبال آن سکوت کردند. پس از مدتی که فشارها بالا گرفت در جهت لاپوشانی قضیه و به جای پاسخگوئی به آن، صحبت از تحریه‌ی سازمان به دو خط پیکار و خط امام نمودند ولی از آنجا که دیگر حنابشان رنگی نداشت و بالاخره موقعی که فشارهای اجتماعی بیشتر شد و چاره‌ای جز جوابگوئی نبود در مصاحبه‌ی روز ۴ شنبه ۱۵ بهمن‌ماه خود به اصطلاح به این قضیه پاسخ گفتند. البته خبرنگار و شخص ایشان همانکونه که حق

از بسم‌الله هراس دارد، از آوردن اسم "مجاهد" هم امتناع کردند و طی سرحی مختصر مجمله گفتند که: "راجع به نشریه‌ای که شما عنوان می‌کنید من نخواندم که بسمم در آن نشریه حد بوسته"!

بمناسبت دو شماره‌ی قبل ایشان و طرح مسئله‌ی انتساب در سازمان مجاهدین بدون هیچ زمینه‌ای برای درک واهی بودن ادعای فوق کافی است. چرا که به خوبی پیداست که لجن‌پراکنی‌هائی از آن دست و هم‌جنس ضرب و شتم و کشاری که علیه مجاهدین خلق پس از انتشار سند فوق اوج گرفت جزئی از جو ایشان به افشاگری مزبور نبود. لیکن برای بهتر روشن شدن مطلب و هم‌جنس شدن درجه‌ی نفاق و دوروئی ایشان لازم دیدیم سندی را که نشان‌دهنده‌ی وقوف کامل ایشان به افشاگری مجاهدین بوده‌است و ایشان آن را انکار کرده‌اند درج کنیم:

در تاریخ ۲۱/دیماه یعنی بیش از ۳ هفته‌ی قبل از مصاحبه‌ی ایشان، تحلیلی در هفت صفحه در درون حزب جمهوری به عنوان جواب "مجاهد" پخش شده‌است.

کلیشه‌ی زیر اولین سطور این نوحه‌نامه را نشان می‌دهد:

متن تایپ شده‌ی سند:

... ما باید برای خود روشن کنیم که آیا صرف دیدار و مذاکره گناه است یا خیر؟ دکتر بهشتی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های دو سال اخیر خود بارها گفته است که ملاقات و گفتگوی سیاسی را بذاته محکوم نمی‌داند... دکتر بهشتی خود بارها گفته است تمام اسنادی که در مورد او در لانه‌ی جاسوسی وجود دارد منتشر سازند. اما همه‌اش را منتشر سازند! چرا این کار را نکردند؟ ما در این مورد انتقاد داریم! ما به این کوتاهی اعتراض داریم! آیا آن‌ها که این کار را نکردند دلشان بیشتر از بهشتی برای آبروی بهشتی می‌سوخت

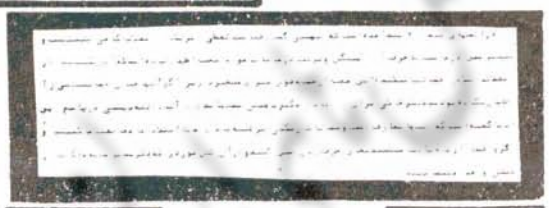

متن تایپ شده‌ی سند:

در انتهای بند ۳ سند آمده است که بهشتی گفته حمایت لفظی امریکا از انقلاب کافی نیست و بیشتر عمل لازم است تا حرف. لیکن در پرانت در ملاقات مورد بحث اظهار کرده‌اند که آمریکا از انقلاب اسلامی حمایت می‌کند! این معنا از جمله‌ی فوق نیز برمی‌خیزد، زیرا اگر آن‌ها چنان حمایتی را اظهار نکرده‌بودند دیگر جائی برای پاسخ‌دکتر بهشتی نمی‌ماند!. آیت‌الله بهشتی در پاسخ این ادعا گفته‌است که این‌ها تعارف است و شما با کارشکنی بر علیه ما دارید با انقلاب ما مخالفت می‌کنید و اگر واقعا از ما حمایت می‌کنید بجای حرف زدن عمل کنید و در آن شش موردی که ذکر شد بر علیه ما کارشکنی و اقدام ننمائید.

در حالیکه همه‌ی نیروهای انقلابی خواستار افشای تمامی اسناد لانه‌ی جاسوسی بوده‌اند، حزب بطور جدی و بی‌کم و کاست آن را نخواسته است. حالا نه تنها در اینجا مطرح می‌شود که ما خواستیم تمامی اسناد منتشر شود؛ بلکه گفته می‌شود به دانشجویان پیرو خط امام انتقاد نیز داریم! اولا مگر نه این است که سران دانشجویان پیرو خط امام، خط حزب را رفته و می‌روند. کافی است به آنها بگوئید اسناد را منتشر کنند، بکنید؟ آیا غیر از این است که می‌خواستید آنها تمامی اسناد را افشا کنند؟

به این قسمت دیگر از تحلیل نیز دقت کنید:

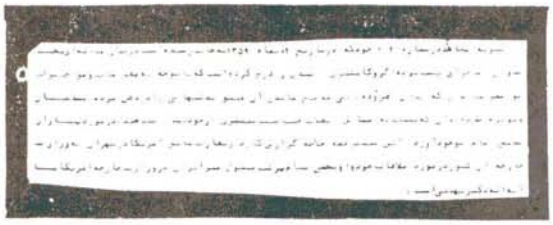

مساله این است که چرا با آنکه آقای بهشتی، هفته‌ها قبل جوابی برای اعضاء حزب نهضه و در درون حزب منتشر کرده‌اند، به مردم دروغ می‌گویند؟ ابتدائی‌ترین نتیجه‌گیری این است که مردم نسبت به کارهای مخرمانه‌ی ایشان نامحرم! هستند.

ضمن این تحلیل که آقای بهشتی برای اعضاء حزب ارائه داده‌اند، نکات جالب دیگری نیز وجود دارد که طی آن حرفهائی زده شده که حزب جمهوری هیچگاه بطور جدی و رودروی مردم آنها را مطرح نکرده است. به دو قسمتی که در اینجا آمده‌است توجه کنید:

آقای بهشتی از آمریکا می‌خواهد که از انقلابیون ایران عملا حمایت کند.

بس این حرف‌ها که "رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم؟" و "رابطه‌ی آمریکا با ما رابطه‌ی ظالم با مظلوم است" چه می‌شود؟ نکند معتقدید این حرفها مصرف داخلی دارد و به رابطه با آمریکا مربوط نیست؟!

البته آقای بهشتی از برخورد انقلابی با شیطان بزرگ و شرکاتش مبرا هستند! و همین تهمت‌هائی! به ایشان نمی‌چسبد. مواردی نیز که نابرهیزی کرده و انقلابی نمائی می‌کنند، می‌تواند مزاج است. ایشان دارای سوابق ممتد و تخصص کافی در بندوبست با شیطان بزرگ و ترکاتش هستند!

به سندی که در اینجا می‌آید توجه کنید.

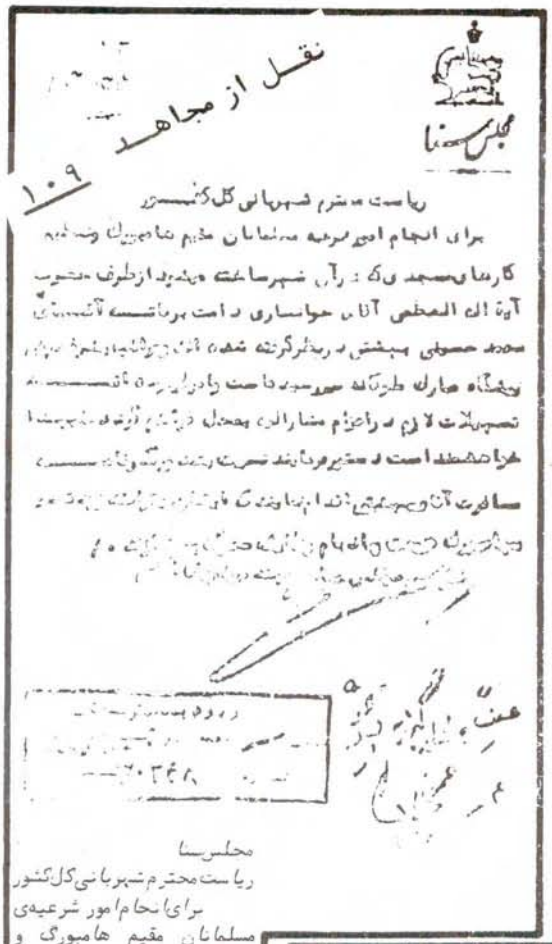

نقل از مجاهد

۱۰۹

ریاست محترم شهربانی کل کشور

برای انجام امور شرعیه مسلمانان مقیم هامبورگ و تنظیم کارهای مسجدی که در آن شهر ساخته می‌شود، از طرف حضرت آیت‌الله العظمی آقای خوانساری دامت برکاته، آقای محمدحسینی بهشتی در نظر گرفته شده‌اند و مراتب به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه نیز رسیده است و امر فرموده‌اند تسهیلات لازم در اعزام مشارالیه به محل فراهم گردد. علیهذا خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به صدور گذرنامه‌ی مسافرت آقای بهشتی اقدام نمایند که ایشان بتوانند زودتر به هامبورگ عزیمت و به انجام وظایف محوله بپردازند.

رئیس مجلس سنا

مهندس شریف امامی

امضاء

عینا به اداره‌ی گذرنامه

امضا

اعلیحضرت امر فرمودند که تسهیلات لازم در اعزام مشارالیه به محل فراهم گردد. مهندس شریف امامی، طی نامه‌ای به ریاست شهربانی نسبت به صدور گذرنامه و اینکه ایشان بتوانند زودتر به هامبورگ عزیمت نمایند تاکید کرده‌است!

شاید در این مورد نیز ایشان از شاه خواسته بودند که عملا از انقلاب ایران حمایت کنند؟! یا نظر خود ایشان همانست؟!

ملاحظه می‌کنید که ایشان در دوران اختناق پس از ۱۵/ خرداد ۴۲، با معرفی حضرت آیت‌الله العظمی خوانساری دامت برکاته!! که به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه نیز رسیده‌است، برای انجام امور شرعیه مسلمانان مقیم هامبورگ! به آلمان اعزام شده‌اند.

. . . . و این گوشه‌ای از خیانتهای آقای بهشتی یکی از پایه گذاران و تئوریسین های اتحاد یه انجمنهای اسلامی دانشجویان در خارج از کشور ارگان دانشجویی حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی ! میباشد که تبلور عملی آموزشهای تئوریك یاد شده در حمایت از آقای باهنر-که البته چهرهٔ ایشان احتیاج کمتری به معرفی دارد و فقط در اینجا اشاره میکنیم که ایشان یکی از چهره‌های سرشناس طراح حمله بدانشگاهها تحت‌عنوان انقلاب فرهنگی بوده و مبارزاتشان ! در زمان رژیم شاه را میتوان در آثار مؤلفین کتب تعلیمات دینی رژیم شاه مشاهده کرد - که در مسافرت اخیرش برای معرفی باصطلاح انقلاب اسلامی ایران به جهانیان به اروپا آمده بود بار دیگر پدیدار شد . حمایتی که منجر به حمله با وسایل ممکن به نیروهای مترقی شد که برای درخواست پاسخ در رابطه با عملکرد های ارتجاعی عناصری مثل او در دو سال گذشته در جلسه شرکت کرده بودند که البته با پاسخ مناسب نیروهای مبارز شرکت کننده صدور چماق در خارج از کشور توسط انجمنهای اسلامی در نطفه خفه شد .

در زیر نیز پاسخ آقای بهشتی راجع به افشاگری فوق را که خود بیان تأیید افشاگری فوق از زبان - خودش به عوامفریبانه ترین وجه ممکن میباشد را با نضمام تقاضای مجاهدین از آقای بهشتی ! مبنی بر اینکه " آقای بهشتی ! با گزارش ارتباطات خود زحمت مجاهدین را کم کنید ! " میاوریم :

قضیه گذرنامه واجازه خروج

جمهوری اسلامی : یکی از روزنامه‌ها بعنوان افشاگری سندی را چاپ کرده است که شما در زمان شاه مخلوع از طریق آیت‌الله خوانساری و شریف امامی و موافقت شاه به خارج از کشور مسافرت کرده‌اید برای روشن‌شدن اذهان عمومی توضیح دهید ؟

ج- . . . مرحوم آیت‌الله میلانی پس از مراجعه مسلمانان مقیم هامبورگ و آلمان تصمیم گرفته بودند و دعوت‌کرده بودند که من به عنوان عالم دینی به آنجا بروم.

. . . ولی به من پاسپورت داده‌نمی‌شد در آن موقع برای اینکه اینگونه‌مسائل حل بشود آیت‌الله خوانساری میتوانستند اقدام بکنند و مشکلاتی از این قبیل را حل کنند و ایشان هم که‌مستقیما "ارتباط نمی توانستند بگیرند ازطریق برخی دولتمردان آن موقع اقدام میکردند از جمله‌کسانیکه درآن موقع آیت‌الله خوانساری از طریق او این اقدام را کردند آقای شریف امامی بود.ایشان به او گفته‌بود که من باید برای اداره امور مسجد هامبورگ از طرف روحانیت بروم وگذرنامه به من نمی دهند،اقدام کنید که گذرنامه بگیرید وچون حساسیت رژیم روی من‌خیلی زیاد بود شریف امامی حتی خودش هم جرائت نکرده بود، مستقیما این کار را بکند با اینکه یک کار ساده‌ای بود.این بود که رفته بود با شاه معدوم درمیان‌گذاشته بود وجرائت نکرده بود حتی بعداز اینکه با او صحبت کرده بود باز به شهربانی بگوید که به من گذرنامه بدهند؛ حتی درنامه‌اش نوشته که بله به شاه گفتم و شاه هم گفته عیبی ندارد ودرحقیقت آنها در رودربایستی با آیت‌الله خوانساری درآن موقع داشتند،موافقت کردند که من از ایران خارج بشوم این راهی بود که بتوانم من بروم از ایران بیرون ووظایفی که آنجا داشتم انجام دهم.بدون اینکه هیچگونه تعهدی ، هیچگونه تغییری درکارهای من بوجود بیاورد بهمین جهت به معنی اینکه آنجارفتم کارهایم درآن‌مسیر ، مسیری که ادامه درگیری ومبارزه با رژیم فاسد شاه بود، ادامه دادم ومسجدرا بصورت کانون‌فعال درآوردم . دانشجویان مسلمان‌رامتشکل‌کردم و اتحادیه‌های انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان

گروه فارسی زبان را با همکاری عده‌ائی از برادران بوجود آوردیم . . . بازهم تاکید میکنم که متن همان نامه شریف امامی نشان میدهد که‌صدوریک گذرنامه برای من تاچه اندازه آن موقع برای‌دستگاه سنگین بوده که کار به دخالت خودشاه میرسد

روزنامهٔ انقلاب اسلامی ۷ / اسفند / ۱۳۵۹

نقل از مجاهد

۱۱۱

آقای بهشتی!
باگزارش ارتباطات خود
زحمت مجاهدین راکم کنید!

آقای بهشتی اخیرا خواستار انتشار گزارش‌های مربوط به ملاقات‌های برخی اعضای دولت موقت برزینسکی است . ما از آقای بهشتی نیز می‌خواهیم که یک گزارش صادقانه وجامع از مجموعه تماس‌های خودشان (چه در قبل و چه در بعد از انقلاب) با مقامات و مامورین امریکائی (چه مامورین سیا وچه مامورین پنتاگون و غیره) نظیر ژنرال هویزر، هنری پرک، لینگن و . . . و هم‌چنین گزارشی از کلیه‌ی تماس‌ها، مذاکرات ومعاملاتشان با سران رژیم شاه خائن به خصوص جلادان و خائنینی نظیر نیمسار مقدم (آخرین‌رئیس ساواک شاه) و نیمسار قره‌باغی و نیز بختیار ، به مردم همیشه بیدارمان ارائه دهند .

اهمیت‌و لزوم ارائه‌ی‌چنین گزارش صادقانه‌ای اولا پاسخی است به سوالات و ابهاماتی که حول این تماس‌ها وجود دارد ، به خصوص که در شرایطی انجام‌شده است که مردم ما هزار هزار به دست همین جلادان و به دستور شاه و اربابان امریکائی‌اش به خاک وخون می‌افتادند و ثانیا خود آقای بهشتی را از مخمصه‌ی توجیه و ماست مالی بعد از افشاگری خلاص می‌نماید و ثالثا زحمت امثال مجاهدین را در رابطه با کارهای افشاگرانه‌ای از این قبیل کم می‌کند .

تنظیم و تکثیر از انجمن دانشجویان‌مسلمان آلمانفربی